



## وضعیت رفاهی خانوارهای شهری و روستایی استان‌های کشور طی برنامه دوم و سوم توسعه

عباسعلی ابونوری<sup>۱</sup> - زهرا مفاخری<sup>۲</sup> - ابراهیم صیامی عراقی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۳

### چکیده

این مقاله تلاش می‌کند تا با استفاده از اطلاعات هزینه خانوار شهری و روستایی طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، وضعیت رفاهی را در استان‌های کشور ایران مورد بررسی قرار دهد. این بررسی، بر پایه شاخص‌های رفاهی تعریف شده در اقتصاد انجام و با توجه به تنوع و گستردگی شاخص‌های موجود به منظور بررسی وضعیت رفاهی، تلاش گردیده است که از مناسب‌ترین شاخص‌های موجود، یعنی شاخص رفاهی سن استفاده شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت رفاهی هر یک از استان‌ها طی سالهای مورد بررسی، ۸۵-۱۳۷۶، با یکدیگر متفاوت بوده و بطور مثال استان‌هایی مانند تهران، اصفهان از شرایط رفاهی مناسبی نسبت به سایر استان‌ها برخوردارند و از طرفی استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان، لرستان و چهارمحال و بختیاری نسبت به سایر استان‌ها در وضعیت نامناسب رفاهی قرار دارند. از طرفی دیگر، نتایج حاکی از آن است که به‌طور کلی مناطق شهری نسبت به روستایی از وضعیت رفاهی به مراتب بهتری برخوردار می‌باشند.

طبقه بندی JEL: I31, I32

واژگان کلیدی: تابع رفاه اجتماعی سن، ضریب جینی

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران [aabounoori@yahoo.com](mailto:aabounoori@yahoo.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد اقتصاد، تهران، ایران. [z.mafakheri@yahoo.com](mailto:z.mafakheri@yahoo.com)

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد اقتصاد، تهران، ایران. [ebrahimsiami@gmail.com](mailto:ebrahimsiami@gmail.com) (مسئول مکاتبات)

## ۱- مقدمه:

افزایش رفاه و کاهش فقر یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشور محسوب شده و تامین شرایط مطلوب برای زندگی تمام اقشار جامعه، از وظایف اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی هر کشور می‌باشد. در طول تاریخ همواره فقر و بی‌عدالتی معضل جوامع بشری و انسان‌ها و بحث عدالت، برابری و رفاه اجتماعی قبل از اینکه مسئله‌ای اقتصادی باشد، مسئله‌ای اجتماعی - سیاسی بوده است، به این معنی که آثار فقدان آن در جامعه به صورت مشکلات سیاسی و اجتماعی آشکار شده و بسیاری از مشکلات اقتصادی ناشی از همین نابرابری‌های موجود در جامعه نشات می‌گیرد. موضوع فقیر و غنی همواره از دغدغه‌های جامعه بشری قلمداد شده و با پیدایش علم اقتصاد نیز مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفته است.

تجربه سه دهه اخیر در کشورهای ثروتمند و فقیر، در زمینه اهمیت توزیع درآمد، عبرت‌آموز و پیامدهای دو دهه رشد سالاری، به هر دو گروه آموخته است که همه مشکلات از طریق دستیابی به رشد اقتصادی بالا حل نمی‌شود. در کشورهای توسعه یافته، تأکید اصلی بر مسئله رشد، اکنون جای خود را به توجه بیشتر به «کیفیت زندگی» داده است. در کشورهای جهان سوم دیگر افزایش محصول ناخالص ملی، به عنوان هدف اصلی فعالیت‌های اقتصادی به شمار نمی‌رود.

بی‌تردید رفاه اجتماعی، محصول فرآیند توسعه اقتصادی است و توسعه اقتصادی به معنای فراگیر آن، زمانی اتفاق می‌افتد که فقر و نشانه‌های آن از جامعه زدوده شود. به طور کلی رفاه مفهوم جدیدی نیست، اما رفاه اجتماعی در دوران معاصر توانسته است افکار بسیاری را به سوی خود جلب کند. اگر چه ابهامات فراوانی در مفهوم رفاه و همچنین رفاه اجتماعی وجود دارد، اما این مسئله همچنان به صورت یکی از ابزارهای موجود برای سیاست‌گذاری مطرح بوده و مورد توجه سیاستمداران قرار دارد.

با توجه به مطالب ارائه شده، هدف نوشتار حاضر، ارائه تصویری از وضعیت رفاهی خانوارهای استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۷۴ - ۱۳۸۵ می‌باشد. بدین منظور از شاخص‌هایی چون: رشد درآمد سرانه (هزینه سرانه) به عنوان شاخص رشد اقتصادی و ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد جهت محاسبه شاخص رفاه اجتماعی سن

برای مقایسه وضعیت رفاهی استان‌های کشور در سال‌های مورد مطالعه و همچنین با استفاده از مفاهیم آماری این فرضیه، که آیا میانگین شاخص رفاه اجتماعی سن طی دوره مورد مطالعه در جامعه شهری بهتر از روستایی است مورد آزمون قرار خواهد گرفت.

## ۲- مروری بر مطالعات انجام شده:

نیلی (۱۳۷۵، آ) در مقاله‌ای به بررسی وضعیت رفاهی خانوار شهری و روستایی طی برنامه اول توسعه پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن می‌باشد که طی دوره مورد مطالعه متوسط هزینه زندگی سالانه ۵،۹ درصد رشد داشته و ضریب انگل از ۴۲،۳ درصد به ۳۱،۸ درصد کاهش یافته، از دیگر نتایج این تحقیق افزایش فضای مسکونی سرانه از ۱۹،۶ مترمربع در سال شروع برنامه به ۲۰،۴ مترمربع در سال پایانی است.

نیلی (۱۳۷۵، ب) در پژوهشی دیگر رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که در مقایسه با میانگین شاخص‌ها، توزیع درآمد در سالهای ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱ و ۷۲ بهتر از مقدار میانگین طی سال‌های مورد مطالعه می‌باشد. همچنین روند توزیع درآمد در دوره‌های ۶۴-۶۲، ۶۹-۶۵ و ۷۲-۷۰ رو به بهبود است.

موسی‌خانی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان تجزیه و تحلیل رفاه اجتماعی در ایران و اثرپذیری آن از نابرابری به اندازه‌گیری رفاه پرداخته و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که مقادیر رسمی رفاه نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی، رفاه افزایش یافته ولی مقادیر واقعی نشان می‌دهد در همه دوره‌ها رفاه کاهش یافته است. همچنین در اکثر دوره‌ها متوسط درآمد و رفاه اجتماعی خانوارهای شهری بیش از خانوارهای روستایی بوده و از عوامل مؤثر بر رفاه، اشتغال می‌باشد که نشان داده شده عامل نابرابری در تمام مشاغل باعث کاهش رفاه شده است.

جلالی (۱۳۸۶) به بررسی تابع رفاه اجتماعی در ایران طی سالهای ۸۲-۷۶ پرداخته و به این نتیجه رسیده که رفاه طی دوره مورد مطالعه افزایش یافته هرچند که نرخ افزایش آن بدلیل افزایش نابرابری تا حدودی خنثی گردیده است.

راغفر و ابراهیمی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی نابرابری درآمدی در ایران طی سال‌های ۶۳-۸۵ پراخته‌اند. در این پژوهش با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوار، تغییرات نابرابری درآمدی به تفکیک مناطق شهری و روستایی در ایران محاسبه گردیده است. بدین منظور از ضریب جینی، ضریب تغییرات، ضریب انحراف از میانگین نسبی، شاخص تایل و سنجه اتکینسون استفاده گردیده و نتایج نشان می‌دهد در طول بیست و سه ساله، علی‌رغم فراز و نشیب زیاد به جز دو سال پایانی مورد مطالعه روند نزولی در شاخص‌های معرفی شده وجود داشته است.

باسخا و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی در استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی، رتبه‌های استان‌های کشور را بدست آورده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استان‌های تهران، آذربایجان شرقی و خوزستان استان‌های برتر از لحاظ کیفیت زندگی هستند.

ابونوری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به تجزیه شاخص نابرابری تایل برحسب استان‌های ایران پرداخته‌اند. هدف اصلی در این مطالعه تجزیه شاخص نابرابری تایل در درون استان‌ها و در میان استان‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی بوده است. بر پایه نتایج نابرابری در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۸ و ۱۱ درصد از کل نابرابری را تشکیل می‌دهد.

کاکوانی و هیل (۲۰۰۲) در مقاله‌ای به بررسی هزینه‌های زندگی در مناطق شهری و روستایی تایلند پرداخته‌اند. تنوع در هزینه‌ها در مناطق روستایی دلالت جدی بر تفاوت سطوح رفاهی زندگی خانوار را در بر دارد که با این وجود برنامه‌های توسعه در اغلب کشورهای در حال توسعه بدون در نظر گرفتن این موضوع تهیه می‌شوند. در این مقاله با استفاده از شاخص‌های لاسپیرز، پاشه و فیشر به اندازه‌گیری این تفاوتها پرداخته شده است. با توجه به نتایج بدست آمده هزینه زندگی در بانکوک بزرگتر از دیگر مناطق شهری است. سپس با استفاده از شاخصها، سالها بحران مالی در جنوب شرق آسیا هم مطالعه قرار گرفته که طی این دوره هزینه زندگی در مناطق شهری و روستایی نسبت به سالهای قبل از آن افزایش چشمگیری داشته است.

تیمینز (۲۰۰۸) به برآورد تفاوت منطقه ای و هزینه زندگی در میان خانوار برزیلی پرداخته است. از این رو برای بدست آوردن تابع هزینه کاب-داگلاس استفاده نموده است و به این نتیجه رسیده که یک رابطه U شکل میان هزینه زندگی و شهرنشینی وجود دارد. بدین معنی که هر چه هزینه زندگی کاهش یابد، شهرنشینی افزایش که این مسئله بدلیل بازار انبوه از کالاهاست و از طرف دیگر هر چه میزان شهرنشینی افراد کاهش یابد، هزینه زندگی زیاد و در نتیجه رفاه کم می‌شود.

### ۳- انواع توابع رفاه اجتماعی

قبل از بیان تابع رفاه اجتماعی سن می‌توان به این نکته اشاره نمود که با توجه به ارتباط رفاه با بعضی از متغیرهای اقتصادی از جمله، چگونگی توزیع درآمد و یا مطلوبیت‌های کسب شده به وسیله افراد، تغییرات رفاهی افراد وابستگی خاصی به سطوح درآمدی و میزان کسب مطلوبیت آنها دارد و در نتیجه برخی شاخص‌های ارائه شده در مورد رفاه اجتماعی، از شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد و برخی نیز از مطلوبیت‌های کسب شده به وسیله افراد تبعیت می‌کنند. اما تابع رفاه اجتماعی سن که توسط آمارتیا سن، اقتصاددان هندی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ مطرح شد، تنها تابع رفاه اجتماعی در میان دیگر توابع رفاه است که می‌تواند بیان کمی از رفاه اجتماعی داشته باشد، در تابع رفاه اجتماعی سن، رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه و ضریب جینی است.

$$W = (X) = \mu(1 - G) \quad (1)$$

که در رابطه (۱)  $\mu$  میانگین درآمد و  $G$  نیز ضریب جینی است که بین صفر و یک قرار دارد (بدین معنی که اگر صفر باشد، کلیه افراد درآمد یکسان دریافت خواهند کرد و اگر یک باشد، تمامی درآمد موجود را یک فرد به خود اختصاص داده است).

با ارائه شاخص رفاه اجتماعی سن مشخص شد که این شاخص به دو عامل ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد و درآمد سرانه بستگی دارد. ضریب جینی مشهورترین شاخص نابرابری توزیع درآمد و متداولترین آنها از نظر استفاده در بررسی‌های

توزیع درآمد است. اگر چه ضریب جینی، یک معیار به نسبت ساده و خلاصه شده است و می‌تواند شدت نابرابری توزیع درآمد را اندازه‌گیری کند، اما این معیار نمی‌تواند همواره پاسخ قطعی و کاملی در خصوص درجه نابرابری توزیع درآمد ارائه دهد.

همچنین این ضریب عبارتست از نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد مورد بررسی به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد که کاملاً عادلانه می‌باشد. در صورتی که ضریب جینی، کوچکتر (بزرگتر) از  $(1/2)$  باشد، تابع رفاه اجتماعی سن بیشتر (کمتر) به میانگین درآمد وابسته خواهد بود.

برای محاسبه ضریب جینی روش‌های متفاوتی ارائه شده است؛ اما روش معروف میلز و زندوکیلی (۱۹۹۷)<sup>۱</sup> مورد استفاده بیشتر محققین بوده است که در تحقیق حاضر نیز از این روش استفاده شده است. در این روش ضریب جینی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^n (X_i - X_{i-1})(p_i + p_{i-1}) \quad (2)$$

در رابطه (۲)  $G$  بیانگر ضریب جینی  $X_i$  نسبت تجمعی درآمد فرد (گروه)  $i$  ام،  $p_i$  نسبت تجمعی فرد (گروه)  $i$  ام می‌باشد.

در محاسبه ضریب جینی، پس از اینکه درصد درآمدها و درصد جمعیت (مثلاً دهک‌های جمعیت یا گروه‌های ۱۰٪ جمعیتی) که به صورت تجمعی درآمدهاند محاسبه شدند ( $P_i$  ها و  $X_i$  ها)، باید ستون‌هایی برای  $(X_i - X_{i-1})$ ،  $(P_i + P_{i-1})$  تشکیل داد، آخرین ستون‌های حاصل ضرب ارقام دو ستون اخیر بصورت متناظر تشکیل می‌شوند که مجموع ارقام این ستون، پس از اینکه از عدد ۱ کسر می‌شود، مقدار عددی ضریب جینی را مشخص خواهد کرد.

هیچ‌گاه  $G=0$  مشاهده نشده است، بلکه عملاً  $G$  بین  $0/2$  تا  $0/8$  قرار داشته است. معمولاً اگر  $G < 0/3$  باشد آن جامعه را به لحاظ توزیع، متعادل در نظر می‌گیرند و اگر  $G$

<sup>۱</sup>. Mills & Zandvakili (1997)

بین ۰/۳ تا ۰/۵ باشد عدم تعادل در حد متوسط است و  $G$  بزرگتر از ۰/۵ عدم تعادل شدید را نشان می‌دهد (تودارو، ۱۳۷۰).

همانطور که مطرح شد غیر از ضریب جینی عامل دیگری که بر روی شاخص رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارد درآمد سرانه می‌باشد، اما از آنجایی که در بسیاری تحقیقات از هزینه خانوار به عنوان گزینه‌ای بهتر از درآمد خانوار بکار برده می‌شود (ابوالفتحی قمی، ۱۳۸۴)، دلیل این موضوع این گونه مطرح می‌شود که، اولاً: به علت پرسش از جزئیات هزینه، آمارهای مربوطه دقیق‌تر از آمارهای درآمد هستند، ثانیاً: با توجه به نظریه‌های مصرف خصوصاً نظریه فریدمن مبنی بر اینکه رابطه مصرف با سطح درآمد دائمی و آزمون‌های تجربی فروض مربوط به چنین رابطه مصرف خانوار به سرعت درآمد خانوار تغییر نمی‌کند. به عبارتی اگر در یک دوره زمانی معین درآمد خانوار به طور غیر طبیعی کاهش یابد، مصرف همان کاهش را منعکس نمی‌کند. و از آنجایی که آمارگیری از هزینه و درآمد در یک مقطع زمانی صورت می‌گیرد احتمال آن وجود دارد که درآمد خانوار در دوره مورد پرسش دستخوش تغییرات شده باشد و لزوماً معرف سطح رفاه خانوار نباشد، بدین ترتیب استفاده از هزینه خانوار این نوسانات تصادفی درآمد را نادیده می‌گیرد و معیار با ثبات‌تری از رفاه به شمار می‌رود.

ن تهران، همچنان از نظر وضعیت رفاهی در رتبه آخر قرار دارد. از طرفی استان از طرفی بعضی از افراد و خانوارها در بیان هزینه زندگی خود واقعیات را بهتر مطرح می‌کنند. بنابراین، برای دقیق‌تر بودن آمارها و نتایج بدست آمده از آمارهای هزینه به جای درآمد استفاده می‌شود و از طرفی دو نوع هزینه نیز مطرح می‌باشد که عبارتند از: هزینه ناخالص و هزینه خالص. تفاوت این دو نوع هزینه در احتساب یا عدم احتساب فروش کالاهای دست دوم می‌باشد، و هزینه ناخالص به دلیل شفاف بودن آمارهای آن نسبت به هزینه خالص ترجیح داده می‌شود، بنابراین، در یک جمع‌بندی این گونه مطرح می‌شود که در تحقیق حاضر از آمارهای هزینه ناخالص خانوار برای انجام محاسبات بهره گرفته شده است.

## ۴- محاسبه شاخص رفاه اجتماعی کشور:

در این مقاله شاخص رفاه اجتماعی سن به تفکیک مناطق شهری و روستایی با استفاده از اطلاعات مرکز آمار ایران محاسبه و نتایج بصورت زیر بدست آمده است:

## ۴-۱- محاسبه شاخص رفاه اجتماعی سن مناطق شهری کشور:

جدول (۱) وضعیت رفاهی استان‌های کشور را با توجه به شاخص سن برای سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۹، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد، با توجه به این جدول کمترین رفاه مربوط به استان سیستان و بلوچستان است که این شاخص از ۱۱۷۵ در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته و به رقم ۱۸۱۱ برای سال ۱۳۸۵ رسیده است، از طرف دیگر استان تهران نیز در تمامی این سال‌ها بیشترین رقم را نشان می‌دهد، که از رقم ۳۲۱۵ در سال ۱۳۷۶ به رقم ۴۷۱۹ در سال ۱۳۸۵ رسیده است، در واقع این شاخص برای استان تهران از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۴،۵۳٪ داشته که رقم مشابه برای استان سیستان و بلوچستان حدود ۵،۱۴٪ می‌باشد، اما با توجه به رشد بیشتر شاخص رفاه اجتماعی سن در این استان نسبت به استان‌های دیگر که دومین استان در سال ۱۳۷۶ با رقم ۲۳۲۶ می‌باشد به استان نهم در سال ۱۳۷۹ عدد ۲۳۰۵ تنزل یافته و سپس در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ به رتبه دوم جدول با احتساب ارقام ۴۰۰۸ و ۴۰۶۲ بازگشته است.



جدول (۱): شاخص رفاه اجتماعی سن جامعه شهری طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۵

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۸۳		سال ۱۳۷۹		سال ۱۳۷۶	
شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان
۴۷۱۹	تهران	۴۸۹۸	تهران	۳۷۳۷	تهران	۳۲۱۵	تهران
۴۰۶۲	هرمزگان	۴۰۰۸	هرمزگان	۲۶۳۶	مازندران	۲۳۲۶	هرمزگان
۳۹۹۷	مازندران	۳۸۳۸	قزوین	۲۵۵۳	فارس	۲۲۶۰	ایلام
۳۹۷۰	قزوین	۳۵۷۸	ایلام	۲۴۸۱	گیلان	۲۲۳۵	فارس
۳۶۶۴	اصفهان	۳۵۶۰	مازندران	۲۴۵۶	اردبیل	۲۱۴۴	قم
۳۶۳۰	گیلان	۳۵۴۲	بوشهر	۲۴۵۰	ایلام	۲۱۱۰	کل کشور
۳۳۹۰	آذربایجان شرقی	۳۳۱۸	اردبیل	۲۳۷۳	کرمان	۱۹۲۹	آذربایجان غربی
۳۳۶۸	ایلام	۳۳۱۰	اصفهان	۲۳۷۲	قم	۱۹۲۶	گیلان
۳۲۱۹	چهارمحال و بختیاری	۳۲۹۹	گیلان	۲۳۲۸	کل کشور	۱۸۵۴	اردبیل
۳۱۸۴	اردبیل	۳۱۴۴	کهگیلویه و بویر احمد	۲۳۰۵	هرمزگان	۱۸۳۴	خوزستان
۳۱۴۲	بوشهر	۳۱۰۲	کل کشور	۲۲۷۰	آذربایجان غربی	۱۸۲۷	یزد
۳۱۳۷	فارس	۳۰۶۴	آذربایجان شرقی	۲۲۶۵	اصفهان	۱۸۲۶	اصفهان
۳۰۴۳	آذربایجان غربی	۳۰۰۴	آذربایجان غربی	۲۲۴۵	گلستان	۱۸۲۰	سمنان
۲۹۹۶	لرستان	۲۹۶۷	فارس	۲۲۴۳	مرکزی	۱۷۹۵	مرکزی
۲۹۹۱	زنجان	۲۹۵۱	کرمان	۲۲۱۸	قزوین	۱۷۷۳	بوشهر
۲۹۵۴	کل کشور	۲۹۲۲	لرستان	۲۱۸۰	لرستان	۱۷۷۳	کرمانشاه

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۸۳		سال ۱۳۷۹		سال ۱۳۷۶	
شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان
۲۸۵۳	سمنان	۲۸۶۴	مرکزی	۲۱۵۷	یزد	۱۷۰۶	خراسان
۲۸۳۷	مرکزی	۲۷۹۱	کردستان	۲۱۳۰	خراسان	۱۶۷۲	مازندران
۲۷۹۵	کهگیلویه و بویر احمد	۲۷۰۴	همدان	۲۰۵۷	خوزستان	۱۶۶۲	لرستان
۲۷۰۸	کرمان	۲۶۴۱	سمنان	۲۰۳۸	آذربایجان شرقی	۱۵۹۰	همدان
۲۶۷۸	خوزستان	۲۵۹۶	چهارمحال و بختیاری	۱۹۰۷	سمنان	۱۵۱۱	کرمان
۲۶۰۴	یزد	۲۵۷۱	خوزستان	۱۸۶۳	کرمانشاه	۱۵۰۶	آذربایجان شرقی
۲۵۵۸	کرمانشاه	۲۵۳۶	قم	۱۸۵۸	کردستان	۱۴۴۹	چهارمحال و بختیاری
۲۵۳۸	خراسان	۲۵۱۱	زنجان	۱۸۴۰	بوشهر	۱۳۲۰	کردستان
۲۴۹۱	گلستان	۲۴۸۴	خراسان	۱۸۱۲	زنجان	۱۲۵۲	کهگیلویه و بویر احمد
۲۴۷۱	همدان	۲۳۷۰	کرمانشاه	۱۷۹۲	چهارمحال و بختیاری	۱۲۰۱	زنجان
۲۴۷۰	کردستان	۲۲۵۴	یزد	۱۷۳۶	همدان	۱۱۷۵	سیستان بلوچستان
۲۳۶۵	قم	۲۲۲۱	گلستان	۱۵۴۹	کهگیلویه و بویر احمد	-	قزوین <sup>۱</sup>
۱۸۱۱	سیستان بلوچستان	۱۷۸۷	سیستان بلوچستان	۱۵۴۴	سیستان بلوچستان	-	گلستان <sup>۲</sup>

منبع: یافته‌های پژوهش

۱ در سال ۷۶ این استان جز استان مازنداران بوده است.

۲ در سال ۷۶ این استان جز استان زنجان بوده است.

#### ۲-۴- شاخص رفاه اجتماعی سن مناطق روستایی کشور:

در این پژوهش علاوه بر خانوار شهری، خانوار روستایی مورد توجه قرار گرفته است که بدلیل دوگانگی موجود در ساختار رفتار مصرفی خانوارهای ایرانی ساکن در مناطق شهری و روستایی می‌باشد. بطور کلی می‌توان گفت وضعیت رفاهی روستاهایی مانند استان تهران در سال ۱۳۷۶ رفاهی معادل ۱۵۳۲ را داراست که به رقمی معادل ۲۶۵۱، در سال ۱۳۸۵ رسیده است، در واقع شاخص رفاه اجتماعی روستاهای استان تهران با توجه به آمارهای موجود رشدی معادل ۴۲/۲۳٪ از خود نشان داده است و استان اصفهان نیز از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ رشدی معادل ۵۲/۵۶٪ داشته است و استان قزوین و مازندران به ترتیب ۴۱/۹۶٪ و ۳۰/۳۵٪ از خود رشد نشان داده‌اند. از طرف دیگر استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان، خراسان و گلستان وضعیت رفاهی نامناسبی نسبت به سایر استان‌های کشور از خود نشان می‌دهند. هر چند درصد تغییرات این شاخص برای سال ۱۳۸۵ استان‌های فوق نسبت به سال ۱۳۷۶ بالا بوده ولی به هر حال این استان‌ها جزء استان‌های کم رفاه کشور می‌باشند.

جدول (۲): شاخص رفاه اجتماعی سن جامعه روستایی طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۵

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۸۳		سال ۱۳۷۹		سال ۱۳۷۶	
شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان
۲۶۸۵	مازندران	۲۶۰۲	مازندران	۱۹۵۴	تهران	۱۵۳۲	تهران
۲۶۵۲	تهران	۲۵۷۸	تهران	۱۸۷۰	مازندران	۱۴۴۸	یزد
۲۴۸۱	قزوین	۲۳۹۰	قزوین	۱۷۲۶	گیلان	۱۳۹۶	قم
۲۳۷۸	اصفهان	۲۳۶۲	اردبیل	۱۶۶۰	قم	۱۳۲۸	سمنان
۲۱۲۲	بوشهر	۲۳۲۷	گیلان	۱۵۵۷	ایلام	۱۳۰۷	اردبیل
۲۱۱۸	گیلان	۲۱۵۱	بوشهر	۱۵۳۱	اردبیل	۱۲۸۵	کرمانشاه

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۸۳		سال ۱۳۷۹		سال ۱۳۷۶	
شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان
۲۰۳۸	ایلام	۲۱۲۸	اصفهان	۱۴۴۰	قزوین	۱۱۸۹	فارس
۲۰۲۸	اردبیل	۲۱۱۸	ایلام	۱۴۲۹	یزد	۱۱۳۸	گیلان
۱۸۵۵	فارس	۱۸۸۶	فارس	۱۳۶۷	فارس	۱۱۲۸	اصفهان
۱۸۵۱	آذربایجان شرقی	۱۸۷۴	آذربایجان شرقی	۱۳۱۲	اصفهان	۱۱۱۱	ایلام
۱۸۴۴	یزد	۱۸۰۲	کرمان	۱۲۷۷	بوشهر	۱۰۸۲	بوشهر
۱۸۲۰	هرمزگان	۱۷۷۲	لرستان	۱۲۷۵	لرستان	۱۰۷۷	آذربایجان غربی
۱۷۷۱	قم	۱۷۴۰	هرمزگان	۱۲۷۲	آذربایجان غربی	۱۰۶۵	مازندران
۱۷۵۸	سمنان	۱۶۸۶	آذربایجان غربی	۱۲۲۸	کرمان	۱۰۶۰	مرکزی
۱۶۹۵	چهارمحال و بختیاری	۱۶۸۰	کل کشور	۱۲۲۱	کل کشور	۱۰۲۷	کل کشور
۱۶۶۲	کل کشور	۱۶۰۴	سمنان	۱۱۷۷	خوزستان	۹۹۲	لرستان
۱۶۱۴	لرستان	۱۵۹۰	کردستان	۱۱۶۱	گلستان	۹۷۸	خوزستان
۱۶۱۲	آذربایجان غربی	۱۵۶۱	چهارمحال و بختیاری	۱۱۳۳	هرمزگان	۹۷۲	چهارمحال و بختیاری
۱۵۹۴	خوزستان	۱۵۳۶	یزد	۱۱۲۴	کرمانشاه	۹۴۷	هرمزگان
۱۵۲۵	مرکزی	۱۵۲۳	قم	۱۱۱۹	سمنان	۹۱۴	همدان
۱۴۸۶	زنجان	۱۵۲۰	مرکزی	۱۰۸۱	مرکزی	۹۰۱	آذربایجان شرقی

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۸۳		سال ۱۳۷۹		سال ۱۳۷۶	
شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان	شاخص رفاه اجتماعی سن	استان
۱۴۶۶	کردستان	۱۵۱۶	همدان	۹۹۱	خراسان	۸۹۰	کردستان
۱۴۴۴	کرمانشاه	۱۴۸۷	خوزستان	۹۷۶	آذربایجان شرقی	۸۶۸	کرمان
۱۴۴۰	کرمان	۱۳۸۱	کرمانشاه	۸۸۰	کردستان	۷۹۹	خراسان
۱۴۰۲	همدان	۱۳۷۹	کهگیلویه و بویراحمد	۸۴۲	چهارمحال و بختیاری	۷۵۰	زنجان
۱۲۴۷	گلستان	۱۲۲۵	خراسان	۸۲۲	همدان	۷۰۲	سیستان بلوچستان
۱۲۱۰	خراسان	۱۱۸۹	زنجان	۸۰۴	کهگیلویه و بویراحمد	۶۶۵	کهگیلویه و بویراحمد
۱۱۷۲	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱۶۶	گلستان	۷۸۶	زنجان		گلستان
۹۶۹	سیستان بلوچستان	۸۹۸	سیستان بلوچستان	۷۷۷	سیستان بلوچستان		قزوین

منبع: یافته‌های پژوهش

#### ۳-۴- آزمون فرضیه‌های مربوط به میانگین شاخص سن در مناطق شهری و روستایی (۱۳۷۶-۱۳۸۵):

فرض مهم در آزمون کردن برابری میانگین‌های شاخص سن در مناطق شهری و روستایی اینست که شاخص‌ها دارای توزیع نرمال باشند تا بتوان از آزمون‌های مرسوم مانند تی‌استیودنت<sup>۱</sup> استفاده کرد. یک آزمون رایج، آزمون جاکو و برا (۱۹۸۲) است که در این آزمون با استفاده از کشیدگی و چولگی توزیع شاخص سن در میان مناطق شهری و روستایی مورد آزمون قرار می‌گیرد. آماره آزمون بصورت زیر است:

$$B.J = [N/6SK^2 + N/24(EK - 3)^2] \quad (3)$$

<sup>۱</sup> -t-student

که در رابطه بالا N تعداد مشاهدات،  $SK^2$  معیاری برای چولگی توزیع و EK معیاری برای کشیدگی توزیع است. در آزمون جاکو-برا فرضیه صفر مربوط به اینست که مشاهدات دارای توزیع نرمال هستند که پس از انجام این آزمون برای تمامی مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور فرضیه صفر مورد تایید قرار گرفت. سپس بدلیل این که تعداد مشاهدات کمتر از ۳۰ است آماره تی-استیودنت برای آزمون فرضیه تساوی میانگین شاخص سن در مناطق شهری و روستایی استفاده گردید.

$$\begin{cases} H_0 : \mu_U = \mu_R \\ H_1 : \mu_U \neq \mu_R \end{cases} \quad (4)$$

اگر خطای استاندارد تحت فرض تساوی و عدم تساوی واریانس دو جامعه باشد آماره t متفاوت خواهد بود. به طوری که اگر  $\sigma_1^2 = \sigma_2^2$  باشد، آماره آزمون عبارت است از:

$$t = \frac{(\bar{X}_U - \bar{X}_R) - (\mu_U - \mu_R)}{sp \sqrt{\frac{1}{N_U} + \frac{1}{N_R}}} \quad (5)$$

توزیع t در این حالت دارای درجه آزادی  $d.f = n_1 + n_2 - 2$  خواهد بود و sp واریانس مشترک است. اگر فرض  $\sigma_1^2 \neq \sigma_2^2$  پذیرفته شود؛ آماره آزمون بصورت زیر محاسبه می-گردد:

$$t = \frac{(\bar{X}_U - \bar{X}_R) - (\mu_U - \mu_R)}{\sqrt{\frac{s_U^2}{N_U} + \frac{s_R^2}{N_R}}} \quad (6)$$

حاضر از رابطه (۵) استفاده شده است که

دلیل آن کاربرد رابطه (۶) در نمونه‌های زیاد و همچنین برابری واریانس در دو جامعه شهری و روستایی است.<sup>۱</sup> پس از محاسبه رابطه (۵) مشخص شد متوسط شاخص سن در مناطق شهری و روستایی در استان‌های کشور برابر نیستند و شاخص سن در مناطق شهری از روستایی بزرگتر است (جدول (۳)). این نتیجه مبین این مطلب است که وضعیت رفاهی در جامعه شهری از جامعه روستایی در طول سال‌های مورد مطالعه به مراتب بهتر می‌باشد.

جدول (۳): آزمون فرضیه‌های مربوط به میانگین شاخص سن در مناطق شهری و روستایی

استان کل کشور	میانگین شاخص سن		میان شاخص سن		آماره T
	شهری	روستایی	شهری	روستایی	
آذربایجان شرقی	۲۴۷۹٫۲	۱۳۶۹٫۵۱	۲۴۱۵٫۵۱	۱۲۱۷٫۰۴	۱۳٫۴۲
آذربایجان غربی	۲۵۳۳٫۹	۱۳۹۵٫۶۳	۲۵۰۵٫۴	۱۳۰۴٫۵۲	۲۲٫۲۰
اردبیل	۲۷۱۰٫۵	۱۷۸۱٫۲۱	۲۸۰۱٫۳	۱۸۱۴٫۵۱	۱۲٫۵۴
اصفهان	۲۶۵۴٫۲	۱۷۱۱٫۱۶	۲۴۷۶٫۴	۱۸۱۴٫۵۵	۱۰٫۸۵
ایلام	۲۸۳۱٫۴	۱۷۰۰٫۹	۲۹۰۳	۱۵۵۷٫۴	۱۱٫۹۹
بوشهر	۲۶۰۵٫۱	۱۶۹۶٫۹۳	۲۵۴۳٫۸	۱۶۷۹٫۹	۹٫۹۲
تهران	۴۳۱۲٫۸	۲۲۹۴٫۲۳	۴۷۱۸٫۸	۲۲۹۰٫۴۶	۲۶٫۳۲
چهارمحال و بختیاری	۲۱۲۴٫۴	۱۱۲۷٫۳۳	۱۸۴۰٫۲۶	۱۰۰۷٫۸۴	۱۴٫۱۴
خراسان	۲۲۶۱٫۳	۱۰۶۶٫۷	۲۲۳۶٫۱۵	۱۱۱۹٫۵	۳۸٫۷۷
خوزستان	۲۲۶۸٫۱	۱۳۹۸٫۳۸	۲۲۱۹٫۴	۱۳۸۴٫۶۹	۱۸٫۷۵
زنجان	۲۳۵۵٫۸	۱۱۲۵٫۴۱	۲۵۱۱٫۳	۱۱۸۸٫۵۵	۱۶٫۰۵
سمنان	۲۳۷۸٫۲	۱۴۳۰٫۹۸	۲۴۱۰٫۲	۱۴۱۶٫۱۹	۲۲٫۱۳
سیستان بلوچستان	۱۶۰۰٫۴	۸۰۷٫۳۳	۱۵۴۳٫۶	۷۴۷٫۹۸	۳۱٫۳۵
فارس	۲۷۱۱٫۳	۱۵۵۵٫۳۷	۲۵۵۲٫۵	۱۴۸۵٫۲	۲۰٫۳۰
قزوین	۳۰۰۷٫۳۶	۱۷۹۰٫۱	۲۷۵۹٫۴۳	۱۵۵۸٫۵۶	۱۱٫۶۹
قم	۲۲۹۶٫۲۸	۱۶۷۵٫۸۲	۲۳۶۴٫۹۸	۱۶۶۰٫۰۸	۲۲٫۰۲
کردستان	۲۱۱۶٫۲	۱۱۸۱٫۱۵	۲۱۰۰٫۳	۱۱۵۵٫۴۲	۱۲٫۸۳
کرمان	۲۵۲۳٫۳	۱۳۸۵٫۵۸	۲۵۱۴٫۶	۱۴۳۰٫۱۴	۲۲٫۶۱
کرمانشاه	۲۱۴۵٫۰۱	۱۳۱۷٫۶	۲۲۵۲٫۱	۱۳۸۱٫۳۵	۱۷٫۵۵

۱- آزمون فیشر در این مقاله انجام و نتیجه بیانگر برابری واریانس نمونه در مناطق شهری و روستایی است.

آماره T	میانۀ شاخص سن		میانگین شاخص سن		استان
۱۷،۹۷	۱۱۷۲،۰۴	۲۳۷۳،۷	۱۱۱۷،۴۹	۲۳۲۱،۶	کهگیلویه و بویر احمد
۲۷،۳۱	۱۰۵۹،۲۲	۲۲۱۷،۴	۱۰۵۶،۲۷	۲۱۳۸،۱	گلستان
۱۴،۲۸	۱۷۲۶،۳۴	۲۶۰۴،۲	۱۷۵۹،۷۸	۲۷۳۳،۴	گیلان
۱۶،۰۷	۱۷۵۵،۹	۲۴۰۹،۴	۱۸۶۰	۲۳۶۶،۷	لرستان
۹،۵۵	۱۲۹۵،۷۱	۲۹۰۱،۲	۱۳۹۵،۹۸	۲۹۷۱،۶	مازندران
۱۸،۷۶	۱۵۱۹،۸۶	۲۸۳۶،۵	۱۴۴۰،۹	۲۶۳۹،۵	مرکزی
۲۲،۴۴	۱۱۹۷،۷۰	۳۲۰۰،۵	۱۳۸۱،۱۷	۳۲۰۳،۶	هرمزگان
۱۵،۴۵	۱۴۰۱،۸۱	۲۴۱۷،۴	۱۲۵۹،۴۲	۲۲۳۹،۴	همدان
۲۵،۹۳	۱۵۳۵،۷۲	۲۲۵۳،۶	۱۵۳۱،۷	۲۲۷۳،۶	یزد

منبع: یافته‌های پژوهش

#### ۵- نتیجه گیری:

در این پژوهش، با استفاده از اطلاعات هزینه خانوار طی برنامه دوم و سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی وضعیت خانوار شهری و روستایی در استان‌های کشور با استفاده از تابع رفاه اجتماعی سن مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج حاصل در ارتباط با شاخص رفاه اجتماعی سن در مناطق شهری حکایت از افزایش این شاخص طی سال‌های مورد مطالعه را دارد و بطور کلی درصد تغییرات شاخص رفاه اجتماعی در ابتدا و انتهای سال‌های برنامه سوم، ۲۴ درصد بوده که نسبت به برنامه دوم بیشتر می‌باشد و این موضوع نشان می‌دهد که برنامه سوم از موفقیت بیشتری در زمینه افزایش رفاه اجتماعی برخوردار بوده است. در میان استان‌های کشور در مناطق شهری، استان تهران از نظر شاخص آمارتیا سن در تمام سال‌های مورد مطالعه رتبه نخست و استان سیستان و بلوچستان رتبه آخر را داشته است. همچنین با توجه به نتایج جدول (۱) تعداد استان‌هایی که در نیمه بالایی میانگین کل کشور در سال ۱۳۷۶ قرار دارند برابر با ۵ استان و این تعداد در سال‌های ۷۹، ۸۳ و ۸۵ در حال افزایش است بطوری‌که در سال ۱۳۸۵ این تعداد برابر با ۱۵ استان می‌باشد. اما این روند بهبود در مناطق روستایی کشور برقرار نبوده و با توجه به جدول (۲) طی سال‌های مورد مطالعه یک روند بدون تغییر را طی



می‌کند. بصورتی که تعداد استان‌های نیمه بالایی کشور در سال ۷۶ برابر با ۱۴ و در سال ۸۵ برابر با ۱۵ می‌باشد.

پس از بدست آمدن شاخص رفاه اجتماعی سن، فرضیه‌ای این تحقیق مبنی بر مقایسه وضعیت رفاهی مناطق شهری نسبت به روستایی مورد آزمون قرار گرفت. در ابتدا نرمال بودن شاخص‌های بدست آمده در مناطق شهری و روستایی کشور مورد تایید و پس از آن آزمون تی-استیودنت انجام و این فرضیه که متوسط شاخص رفاهی سن در مناطق شهری طی برنامه دوم و سوم بهتر از مناطق روستایی بوده مورد تایید قرار گرفت. نتیجه حاصل از این آزمون این موضوع را روشن می‌کند که برنامه‌های توسعه توانسته به مناطق شهری کمک بیشتری نسبت به مناطق روستایی نمایند.

#### منابع و ماخذ

- ۱) ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۸۴). برآورد شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد (۱۳۸۲ - ۱۳۶۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده اقتصاد.
- ۲) ابونوری، اسمعیل، آرش خوشکار و پدرام داودی (۱۳۸۹). تجزیه شاخص نابرابری تایل برحسب استان‌های ایران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی. شماره ۳۶، صص ۲۲۲-۲۰۱.
- ۳) باسحا، مهدی، لطفعلی عاقلی کهنه شهری و ارشک مسائلی (۱۳۸۹). رتبه بندی شاخص کیفیت زندگی در استانهای کشور. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۷، صص ۱۱۲-۹۵.
- ۴) تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم (۱۳۷۰). جلد اول، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- ۵) جلالی، محسن. (۱۳۸۶). بررسی تابع رفاه اجتماعی در ایران، روند، سال هفدهم، شماره ۵۴، صص ۱۸۵-۱۶۸.
- ۶) راغفر، حسین و آزاده ابراهیمی (۱۳۸۷). نابرابری درآمدی در ایران طی سالهای ۸۵-۱۳۶۳. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۳۴-۹.

- (۷) مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ایران ۱۳۷۶ - ۱۳۸۵.
- (۸) موسی‌خانی، غلامرضا (۱۳۸۲). توابع رفاه اجتماعی، رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۹.
- (۹) نیلی، فرهاد (۱۳۷۵، آ). رشد اقتصادی و وضعیت رفاهی خانوار شهری و روستایی در پایان برنامه اول، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴ سال دوم.
- (۱۰) نیلی، فرهاد (۱۳۷۵، ب). رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی (۱۳۷۲-۱۳۶۱)، مجله برنامه و بودجه شماره ۴.
- 11) Kakvani, Nanak (1986). *Income Inequality and Poverty: Methods of Estimation and Application*, Cambridge University.
- 12) Mills JA, Zandvakili A (1997). Statistical inference via bootstrapping for measures of inequality. *Journal of Applied Econometrics*.12:133-150.
- 13) Timmins, C., (2008), Estimating Spatial Differences in the Brazilian Cost of Living with Household Location Choices, *Journal of Development Economics* 80, PP: 59-83
- 14) Kakwani, N., Hill, R., 2002. Economic Theory of Spatial Cost of Living Indices with Application to Thailand, *Journal of Economics*, 86, PP: 77-97